



«دکتر سیدسجاد ایزدهی استاد فقه سیاسی و هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی»

وقتی حضرت امیرالمؤمنین (ع) در جایگاه خلافت ظاهری قرار گرفتند

و حکومت را عهده‌دار شدند، ساختاری بر جامعه حکمفرما بود که عملاً نظام تبعیض‌آمیز را بر جامعه تحمیل می‌کرد. در دوره خلفا، توزیع غنیمت‌ها متناسب با رویکردهای دینی، قومیتی، خویشاوندی یا پیامبر(ص)، سابقه در اسلام، شرکت در جنگ‌ها و… تقسیم می‌شد و مقرر شده بود که سابقین در اسلام، بیشتر از تازه مسلمانان و نزدیکان پیامبر(ص) بیشتر از دیگران می‌توانند از



«حجت‌الاسلام والمسلمین امیرعلی حسلو مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه»

امیرمؤمنان (ع) الگوی تمام‌عیار برای انسانیت در تمام ابعاد زندگی فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علم و اخلاص و خدمت به مردم، سلوک و عرفان و عبادت و خدانشناسی، عدالت و حکومت‌داری به‌شمار می‌رود. سیره، سنت و میراث امیرمؤمنان (ع) نه فقط برای مسلمانان بلکه برای بشریت، نسخه جامع و ملموسی است که می‌تواند هر صنف، گروه، قوم و نژادی، گمشده خود را در شخصیت ممتاز علی (ع) بیابد.

بنابراین بشریت برای اینکه از تمام بلاها رها شود باید به وجود آن حضرت معرفت پیدا کند.

چنین معرفتی راه یافتن به معدن فضایل انسانی یعنی «وجود پیامبراعظم(ص)» است. این آدرس را خود حضرت امیر(ع) داده است؛ آنجا که فرمود: من بنده‌ای از بندگان محمد(ص) هستم.(امیرعلی حسلو؛ قرآن و معصومان، در آیینۀ علوی). علی(ع) تمام این فضایل را از پیامبراکرم(ص) کسب کرده و از کودکی تحت تربیت ایشان بوده است بنابراین تربیت شده خاص خداوند است و خود پیامبراعظم(ص) حضرت علی(ع) را با باب و کلید و رمز معرفت خود معرفی نموده است: «انا مدینه‌العلم وعلی

مدینه‌الهدی»

امیرالمؤمنین(ع) معتقد بودند همه مردم در سرزمین اسلامی باید از سطح امکانات یکسانی برخوردار باشند.از این‌رو، در توزیع امکانات مادی بین دوست و آشنا تفاوتی قائل نمی‌شدند. شاهد این مدعا، ماجرای عقیل برادر نایبانی ایشان است که وقتی از حضرت امیرالمؤمنین(ع) تقاضای مال و امکانات کرد، ایشان دست رد به سینه او زد.

«عدالت سیاسی» بُعد دیگری از اجرای عدالت است. امیرالمؤمنین(ع) نسبت به کسانی که عملاً مخالف حکومت بودند مثل خواجه تا زمانی که دست به اسلحه نبردند و رویکرد آنان امنیتی نشد، نه تنها وارد جنگ نشدند بلکه حتی شب‌ها برایشان آذوقه می‌پرد؛ چراکه معتقد بودند همه افراد حتی مخالفان او، از حیث انسانیت از حقوقی برابر برخوردارند.

این مشی و منش عادلانه حضرت علی(ع) در نامه‌ای هم که به مالک‌اشتر می‌نویسد، متبلور می‌شود: «دل خود را آکنده از مهر و محبت و لطف نسبت به مردم گردان و مبادا برای آنان چون جانور درنده‌ای باشی که خوردنشان را غنیمت دانی؛ زیراکه مردم دو دسته‌اند؛ یا برادر دینی تو هستند یا همنوع تو. در معرض لغزش و خطا قرار دارند و گاه از روی عمد یا خطا دست به گناه و تجاوز می‌آیند. پس همان‌گونه که خود دوست داری خداوند نسبت به تو بخشش و گذشت کند، تو نیز نسبت به آنان بخشش و گذشت داشته باش؛ زیرا تو بالایدست آنان هستی و فرمانروایی بر تو، بالا دست تو است و خداوند بالا دست کسی است که تو را به امارت گماشته است!»(نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

حضرت علی(ع) در رویکرد عدالت‌محور خود، بر ضرورت «حفظ کرامت انسانی» افراد در اداره جامعه و «برابری آنان در برابر قانون» تأکید می‌کنند. ایشان در تعریف عدالت،

تعبیری دارند و معتقدند: «عدالت، هر چیزی را در جایگاه خودش قرار داده و جور، امور را از جای مناسب خود خارج می‌کند.»(نهج‌البلاغه / حکمت ۴۲۷) لذا، ایشان با تأکید بر عدالت، نظام اقتصادی پیشین را برهم زده و نظام جدیدی را پایه‌ریزی کردند تا بر اساس آن همه برابر باشند. تلاش حضرت در ساختار حکومت این بود که ظلم‌هایی که چه از جانب سرمایه‌داران و چه از جانب کسانی مثل معاویه صورت می‌گرفت عملاً دفع کرده و عدالت در عرصه‌های مختلف، اعم از عدالت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و… را در جامعه محقق نمایند.

عدالت در مشی سیاسی حضرت علی(ع) از چنان جایگاهی برخوردار است که ایشان هیچ‌گاه آن را فدای مصلحت نمی‌کردند، حتی وقتی عده‌ای از یاران‌شان مرتکب خطا و خلافی می‌شدند، آنان را براساس موازین شرعی، عقاب می‌کردند ولو به قیمت اینکه از ناراحتی به سمت دشمن بروند؛ چراکه معتقد بودند مادامی که عدالت در جامعه برقرار نشود، جامعه به استقرار نخواهد رسید؛ «عدل پایه و ستونی است که هستی بدان پابرجا و استوار است.»(بحارالانوار، ج۷۸، ص ۸۳) بنا بر دیدگاه حضرت علی(ع) اساس آبادانی و عمران شهرها در گرو اجرای عدالت است: «هیچ چیز مانند عدل باعث آبادانی شهرها نیست.»(غررالحکم: ۹۵۴۳)

عدالت دارای راحت‌ترین ووسیع‌ترین تعریف است و همه از عنوان عدالت خوششان می‌آید، اما هنگام عدل‌ورزی و انصاف‌ورزی، بسیاری از آن، تمکین نکرده و عملاً نسبت به این رویه بی‌اعتنا می‌شوند. حضرت امیرالمؤمنین(ع) در حکمرانی خود برای هیچ کسی حق ویژه و رانت قائل نبودند. نظام جامعه را بر مساوات بنا نهادن و همه را بنده خداوند فرض کردن، نمودهایی است که می‌توان آنها را در منش و روش سیاسی حضرت علی(ع) مشاهده کرد. عدل‌ورزی حضرت علی(ع) موجب شد تا اشراف جامعه احساس خطر کنند چون باید پول‌هایی را که در زمان گذشته بی‌حساب دریافت کرده بودند، بازمی‌گرداندند. امام علی(ع) فرمودند: «به خدا سوگند، بیت‌المال



«اگرچه استقرار عدالت هزینه دارد؛ اما «عدالت» باید محور امور باشد نه «مصلحت». شعار دادن برای عدالت کافی نیست، اینکه بگوییم مرید حضرت علی(ع) هستیم و در حوزه عدالت به ایشان اقتدا می‌کنیم، بلکه باید همچون حضرت امیرالمؤمنین(ع) نسبت به خویشان، رانت نداشته باشیم و دشمنان عدالت‌ورزانه برخورد کنیم. بواسطه عدالت است که جامعه به آرامش می‌رسد. وقتی یک جامعه به آرامش رسید، همه امور در آن بد رستی جریان می‌یابد

این را باید بدانیم که عدالت در اندیشه حضرت علی(ع) به معنای مساوات نیست؛ یعنی به گونه‌ای نیست که همه انسان‌ها فارغ از ویژگی‌ها و شرایط خاص‌شان از تکالیف برابری برخوردار باشند. در منظومه فکری ایشان، عدالت در حوزه اعمال باید متناسب با شرایط باشد و ویژگی‌های افراد در اجرای عدالت تأثیرگذارند. به عبارتی، عدالت به معنای تناسب «تکالیف» با «شرایط» است. طبیعاً برای هر فردی تکلیف خاصی وجود دارد و مهم این است که در نهایت، تعمیلی به افراد صورت نگیرد. تعبیر ایشان درخصوص عدالت این است که

این را باید بدانیم که عدالت در اندیشه حضرت علی(ع) به معنای مساوات نیست؛ یعنی به گونه‌ای نیست که همه انسان‌ها فارغ از ویژگی‌ها و شرایط خاص‌شان از تکالیف برابری برخوردار باشند. در منظومه فکری ایشان، عدالت در حوزه اعمال باید متناسب با شرایط باشد و ویژگی‌های افراد در اجرای عدالت تأثیرگذارند. به عبارتی، عدالت به معنای تناسب «تکالیف» با «شرایط» است. طبیعاً برای هر فردی تکلیف خاصی وجود دارد و مهم این است که در نهایت، تعمیلی به افراد صورت نگیرد. تعبیر ایشان درخصوص عدالت این است که



حکومت و زمامداری، زندگی بسیار سخت و دشواری داشتند و کم‌ترین خوراک و پوشاک زندگی می‌کردند. حاکمان و کارگزاران نیز کاش این ظرفیت را در خود ایجاد کنند و این هرکس بخشی از حقوق ماهانه خود از بیت‌المال را در زدودن آلام مستمندان و ادای قروض طبقات محروم و کم‌درآمد هزینه نماید.

حضرت می‌فرماید: «اگر می‌خواستیم، می‌توانستیم از عسل مصفا و مغز گندم و بافته‌ای ابریشم برای خود پوشاک و خوراک تهیه کنم. اما هیئات که هوی و هوس بر من غلبه کند و حرص و طمع مرا وادار کند تا طعام لذیذ را برگزینم درحالی که ممکن است در سرزمین حجاز و یمامه کسی باشد که حتی امید به دست آوردن یک قرص نان را نداشته باشد و هرگز شکمی سیر نخورد به‌اشد. آیا من با شکمی سیر بخوابم درحالی که در اطرافم شکم‌های گرسنه و گنده‌های سوزان باشند، آیا به همین قناعت کنم که گفته شود این امیرالمؤمنین است، اما هرگز با آنان در سختی‌های روزگار شریک نباشم و در ناگواری‌های زندگی، پیشوا و مقتدای ایشان نباشم…»

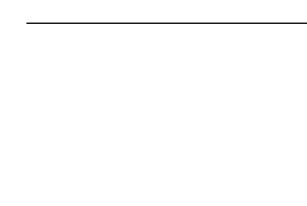
سیاستی درپیش گرفته‌ام که تمام قلمرو حکومتم به اقل امکانات

اجتماعی می‌دانستند. از این رو، با مرتکبان جرایم با قاطعیت تمام برخورد می‌کردند. معروف است

حضور و بروز خصیصه «عدالت‌ورزی» در منش و روش سیاسی ایشان آنچنان برجسته است که ردپای آن را حتی در ماجرای شهادت‌شان می‌توان ردگیری کرد. ایشان به یاران خود توصیه می‌کنند که به قاتل من، همچون من، یک ضربه بزنید و نه بیشتر. این ویژگی است که حضرت امیرالمؤمنین(ع) را نه صرفاً در میان مسلمانان بلکه برای هر کسی که انسانیت و فطرت دارد، ممتاز می‌کند.

از جدی‌ترین مسائلی که ما امروزه در جامعه با آن مواجه هستیم بحث عدالت است. از این رو، از مشی و منش حضرت علی(ع) در تحقق بخشیدن به عدالت می‌توان بهره کافی برد. آنان که امروز به تعریف عدالت می‌پردازند، تعاریفی متمایز ارائه می‌کنند؛ برخی عدالت را به مساوات در همه موارد تعریف می‌کنند که طبیعتاً رویکرد درستی نیست چون در برخی موارد حیثیت بچه بودن، بزرگ بودن، زن بودن و مرد بودن، تأثیرگذار است. بنابراین عدالت به معنای «رویگرد تساوی» در همه امور نیست؛ اما در مواردی هم رویکرد عدالت‌محوری به معنای رویکرد تساوی است به‌عنوان مثال همه باید سهم برابری از بیت‌المال داشته باشند، اما مهم این است که در حوزه سیاست و حکومت، همگان وقتی شهروند یک جامعه تلقی شدند باید در برابر قانون برابر باشند. بنابراین «عدالت» باید محور امور باشد نه «مصلحت»؛ اگرچه استقرار عدالت هزینه دارد. طبیعاً شعار دادن برای عدالت کافی نیست؛ اینکه بگوییم مرید حضرت علی(ع) هستیم و در حوزه عدالت به ایشان اقتدا می‌کنیم، کافی نیست، بلکه باید همچون حضرت امیرالمؤمنین(ع) نسبت به خویشان، رانت نداشته باشیم و نسبت به دوستان و دشمنان عدالت‌ورزانه برخورد کنیم. اگر بر این اساس رفتار کردیم، می‌توانیم از داشتن جامعه عادلانه حرف بزنیم.

البته نباید از ذکر این نکته غافل شد که در برخی موارد چه بسا در جامعه عدالت برقرار باشد اما مردم عدالت را احساس نکنند. التزام به عدالت باید به گونه‌ای باشد که ضمن اقدام عملی به عدالت، مجموعه این اقدام‌ها، به اطلاع مردم برسد. ایجاد احساس عدالت بسیاری می‌تواند مؤثر باشد. عدالت، لنگرگاه آرامش کشور است؛ بواسطه عدالت است که جامعه به آرامش می‌رسد و وقتی یک جامعه به آرامش رسید، همه امور در آن بد رستی جریان پیدا کند، اما اگر این آرامش حاکم نشود همه امور به چالش کشیده می‌شود.



وقتی عقیل از آن حضرت خواست سهم بیشتری از بیت‌المال به او دهد امام(ع) آهن گداخته را به سوی او نزدیک کرد و عقیل از شدت حرارت آن فریاد برآورد که این چه کاری است. حضرت در پاسخ فرمود: تو مرا به آتشی می‌خوانی که سوزاننده‌تر از این است.

ساده‌زیستی و زهد مهم‌ترین درسی است که حاکمان ما باید از حضرت امیرالمؤمنین(ع) بیاموزند. جامعه امروز ما این است که اصلاح جامعه باید از حاکمان و کارگزاران شروع شود؛ الناس علی دین ملوکم. نخبان جامعه باید در عمل به سیره حضرت پیشگام شوند تا جامعه اصلاح شود و به سوی جامعه علوی حرکت نماید. همیشه چشم مردم به حاکمان و کارگزاران شان است؛ وقتی حاکمان به ثروت‌اندوزی میل می‌کنند افراد جامعه نیز ناخودآگاه به آن سو میل می‌کنند و افراد جامعه نیز ناخودآگاه به آن سو میل می‌شوند.

تا نخبان جامعه اعم از طبقات حاکمه یا طبقات علمی و فرهنگی اصلاح نشوند اصلاح جامعه ممکن نیست؛ بنابراین امیرمؤمنان(ع) از خود شروع کرد؛ ساده‌زیستی و ترویج روحیه حمایت از طبقات فرودست را در شیوه حکومتداری خود اصل قرار داد تا فرمانداران و استاندارانش هم از او پیروی نمایند و این روش را حضرت مایه آرامش جامعه می‌داند.